



گوناگون کلامی*

اکبر ترابی قمشه‌ای

★ ۱. جواد کیست؟

مردی از امام کاظم علیه السلام پرسید: به چه کسی جواد گویند؟

امام فرمود: سؤال تو دو پهلو است، جواد در مخلوقات کسی است که واجبات خدا را انجام دهد و بخیل شخصی است که در انجام واجبات بخل ورزد و خداوند جواد است خواه عطا کند و یا منع؛ زیرا اگر ببخشد، آنچه را که متعلق به تو نبوده بخشیده و اگر منع کند آنچه را که از مال تو نیست منع کرده است. ^(۱)

★ ۲. غضب پروردگار

ابوقرة از محدثان اهل سنت از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا شما منکر این حدیث هستید که: هرگاه خداوند غضب کند، ملائکه‌ای که حامل عرش پروردگارند بر دوش خود احساس سنگینی می‌کنند و به سجده در آیند، و زمانی که غضب پروردگار برطرف شود سبکبار شوند و به حالت قبلی برگردند؟!

امام رضا علیه السلام فرمود: آیا خداوند از آن زمان که شیطان را لعن کرده تا امروز و تا روز قیامت از او و دوستانش راضی است یا بر آنان غضبناک است؟
ابوقرة گفت: آری بر او غضبناک است.

امام فرمود: پس در چه زمانی خداوند راضی می‌شود تا بار حاملان عرش سبک گردد؟
وای بر تو! چگونه جرأت می‌کنی پروردگارت را به تغییر حالت توصیف کنی و صفات مخلوق را

به او نسبت دهی او منزّه است و هیچ تغییر و تحولی در ذات او راه ندارد. (۲)

★ ۳. کاملترین مرتبه‌ی انسانیت!

محققی جلیل‌القدر می‌نویسد: پیامبر باید در حدّ مشترك بين عالم معقول و عالم محسوس نشسته باشد او گاهی به واسطه‌ی حب و دوستی خدا با خداست، و زمانی به واسطه‌ی شفقت و رحمت بر خلق خدا، همراه آنان است. چون به خلق متوجه شود همانند یکی از آنان است تو گویی او هیچ ارتباطی با ملکوت و پروردگار ندارد و چون به ذکر و خدمت پروردگار روی آورد تو گویی خلق و مخلوقی در کار نیست، در این حال از خدا می‌گیرد و از او علم می‌آموزد و عطای خداوندی و تعلیماتش را به بندگان می‌رساند و آنان را هدایت می‌کند، پیامبر از خدا تقاضا می‌کند و دعایش به اجابت می‌رسد و مردم از او سؤال می‌کنند به آنان پاسخ می‌دهد او ناظم و واسطه‌ی بین دو عالم عقل و محسوس است، بر عالم عقل سمع و بر عالم حس لسان و زبان است.

قلبش دو باب دارد: يك باب درونی که با آن به مطالعه‌ی لوح و ذکر حکیم پردازد و علمی یقینی و لدنی آموزد و به شگفتیهای گذشته و آینده و احوال عالم و دگرگونیهای قیامت وحشر و سرانجام بازگشت خلق به بهشت و جهنم آگاه شود، هنگام توجه پیامبر به عالم غیب و اشتغال او به ذکر و یاد خدا، این باب مفتوح گردد.

باب دوم قلب برای مطالعه محسوسات است تا بر عوارض و پشامدهای اجتماعات بشری دانا شود و قافله‌ی انسانیت را به سوی خیر راهنمایی و از بدیها باز دارد.

بنابراین در اندرون و ذات پیامبر دو نیرو نهفته است خداوند به او بهره‌ای والا از وجود و کمالات بخشید که بتواند به هر دو جانب (معقولات و محسوسات) پر کشیده و حق هر دو جانب را وفا کند و این بالاترین مرتبه‌ی انسانیت است. (۳)

★ ۴. ابو ایوب انصاری و مروان بن مسلم در برابر ضریح پیامبر ﷺ

روزی مروان کنار مرقد مطهر رسول خدا ﷺ آمد دید مردی صورتش را روی قبر مطهر گذاشته است.

مروان گرده او را گرفت و گفت آیا می دانی چه می کنی؟

آن مرد سر برداشت، معلوم شد که ابو ایوب انصاری است، گفت آری. من پیش سنگ نیامده‌ام، پیش رسول خدا ﷺ آمده‌ام، از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:
بر دین گریه نکنید وقتی که رهبر دین اهلیت آن دارد، آن گاه گریه کنید که نا اهلان اموی بر آن حاکم باشد. (۴)

★ شاگردی که استاد به ترجمه او پرداخته است

تقی الدین، ابو الصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷) مؤلف کتاب «الکافی» در فقه، و «تقریب المعارف» در کلام، نزد سید مرتضی و شیخ طوسی درس خوانده است. مع الوصف - شیخ طوسی در کتاب رجال خود به ترجمه او پرداخته است، می گوید:
«تقی بن نجم الحلبی، ثقة له کتاب، قرأ علينا و علی المرتضی». (۵)

★ شاگردی که استاد از او بیشتر بهره گرفته است

محمد بن مکی (۷۸۶-۷۳۴) معروف به شهید اول مؤلف کتابهای گرانسنگ فقهی، نزد فخر المحققین (م/ ۷۷۱) کتاب «قواعد» علامه را خوانده است. آنگاه استاد او را به اجازه روایتی مفتخر می سازد و آن را در پشت کتاب قواعد می نویسد، درباره او پس از يك رشته القاب چنین می گوید: «لقد استفدتُ مِنْ تلمیذی محمد بن مکی أكثر مما استفاد مني»؛ من از شاگرد خود محمد بن مکی بیش از آنچه که او از من استفاده کرده است، بهره گرفته‌ام. (۶)

★ همدلی و همدردی در شعر فیض کاشانی

محقق بزرگوار، ملا محمد محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱)، از نوادر روزگار بود، او در عین گرایش به مسلک اخباری، استادی بی مثال در عرفان و سلوک به شمار می رود، در قصاید و غزلیات خود افکار بکری را عرضه می کند که نمونه آن را متذکر می شویم.

بیا تا مونس هم، یار هم، غمخوار هم، باشیم
شب آمد شمع هم گردیم و بهر یکدیگر سوزیم

۴. ترجمه الغدیر: ۲۵۱/۹. ۵. رجال شیخ طوسی، باب فی من لم یرو عن الأئمة، باب التاء ۴۵۷.

۶. ریاض المسائل، ج ۱، بخش مقدمه، ۷۱.

دوای هم، شفای هم، برای هم، فدای هم	شود چون روز، دست و پای هم در کار هم باشیم
بهم یکتن شویم و یکدل و یکرنگ و یک پیشه	دل هم، جان هم، جانان هم، دلدار هم، باشیم
حیات یکدیگر باشیم و بهر یکدیگر میریم	سری در کنار هم آریم و، دوش و بار هم باشیم
انیس جان غم، فرسوده‌ی بیمار هم، باشیم	گاهی خندان ز هم گه خسته و افکار هم باشیم

★ چرا به مدح علی بن موسی الرضا علیه السلام نپرداختم؟

حسن بن هانی معروف به «ابو نواس» از شعرای نامی عصر عباسی که در قرن دوم ۱۴۶-۱۹۸ می‌زیسته است و در شعر و ادب از ناموران عصر خود بوده و دیوان مطبوع او، و دیوان دیگری نیز به نام «الفکاهة و الاثناس فی مجون ابی نواس» از او چاپ شده است.

به او گفتند: چرا تاکنون چکامه‌ای در مدح امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام نسروده‌ای؟ او سؤال و جواب را در قالب شعر ریخته و چنین گفت:

قيل لي أنت أوحّد الناس في كُ	لّ مقالٍ من الكلام النبیه
لك من جید الكلام نظام	يُجتنى الدرّ من يدي مجتنيه
فلماذا تركت مدح ابن موسى	والخصال التي تجمعن فيه
قلت لا أهتدي لمدح إمام	كان جبرئيلُ خادماً لأبيه ^(۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

★ ۸. مهمانی

روایت شده: شخصی مجوسی از ابراهیم خلیل علیه السلام تقاضای مهمانی کرد، حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: ترا به شرط مسلمان شدن میهمان کنم، مجوسی ناامید شده رفت، بر ابراهیم علیه السلام وحی شد ما پنجاه سال در حال کفر او را رزق و روزی می‌دهیم چه می‌شد تو او را لقمه‌ای می‌دادی و شرط نمی‌کردی، حضرت ابراهیم علیه السلام به جستجوی او رفت او را پیدا کرد، عذرخواهی کرد، مجوسی علت عذرخواهی را جویا شد. حضرت ابراهیم علیه السلام حکایت وحی را به او گفت. مجوسی متنبه شد و اسلام آورد. (۸)

۷. طاهر المقدسی، کتاب البده و التاریخ: ۱/ ۱۸۱، و مقدسی این کتاب را در سال ۳۶۵ نگاشته است.

۸. ترجمه زهر الربیع، ص ۵.